

4-188

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 4

Date of filing: 10 Dec 1996

** AWARD - Type of Award Final
 - Date of Award 10 Dec 1996
 _____ pages in English 27 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

FINAL AWARD

Case No. 4

Chamber Three

پرونده شماره ۴

شعبه سه

حکم شماره ۳-۴-۵۷۵



IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داورى دعاوى ایران - ایالات متحدہ
FILED	ثبت شد
DATE	10 DEC 1996
	تاریخ ۱۳۷۵/۹/۲۰

رضا نمازی،

خواهان،

و

دولت جمهوری اسلامی ایران،

خوانده.

حکم نهائی

حاضران

از طرف خواهان:

دکتر رضا نمازی،
خواهان،
آقای ریچارد جی. برتون،
پروفسور دنیس اوکانر،
وکلای خواهان،
آقای مایکل لوری،
دستیار حقوقی خواهان،
دکتر پرویز سروری،
خانم روشن گلشائیان،
شهود معارض.

از طرف خواننده:

آقای علی حیرانی نویری،
نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران،
آقای نوذر دبیران،
مشاور حقوقی نماینده رابط،
آقای بهروز صالح پور،
دستیار حقوقی نماینده رابط،
دکتر علی آزمایش،
وکیل بانک صنعت و معدن،
آقای جواد گیوه چین،
وکیل بنیاد مستضعفان و جانبازان و شرکت بیمه دانا،
آقای داریوش اشرافی،
آقای علی لطیفی،
آقای خیام داداش زاده،
نمایندگان بنیاد مستضعفان و جانبازان،
آقای محمود علیزاده کاشانی،
نماینده شرکت سیمان فارس و خوزستان،
آقای مصطفی تهرانی،
آقای عبدالمجید گلده،
نمایندگان شرکت بیمه دانا،
آقای علی عزیزجهان،
آقای مسعود فضل رامندی،
آقای احمد بافقی نیا،
خانم مهین نمازی،
خانم زهرا صفاریان،
دکتر بهروز وحدت،
آقای محمدعلی مهدوی ثابت،
شهود،

دکتر مهدی شهیدی،

آقای یوسف بوذری،
شهود کارشناس.

سایر حاضران:

آقای استیفن دی. متایس،
نماینده رابط دولت ایالات متحده آمریکا
آقای شان دی. مورفی،
از وزارت امور خارجه ایالات متحده.

فهرست مندرجات

بند	
۱	یک - <u>پیشگفتار</u>
۲	دو - <u>سابقه رسیدگی</u>
۱۱	سه - <u>صلاحیت</u>
۱۲	چهار - <u>مالکیت</u>
۱۲	الف - <u>واقعیات و اظهارات</u>
	۱ - اموالی که حسب ادعا توسط مهدی نمازی و حسین نمازی
۱۷	به خواهان منتقل شده است
۱۷	(الف) اظهارات خواهان
۳۶	(ب) اظهارات خوانده
۴۸	۲ - آپارتمان سامان ونک
۴۸	(الف) اظهارات خواهان
۴۹	(ب) اظهارات خوانده
۵۱	ب - <u>یافته های دیوان</u>
	۱ - اموالی که حسب ادعا توسط مهدی نمازی و حسین نمازی
۵۱	به خواهان منتقل شده است
۵۲	(الف) مالکیت قانونی
۵۴	(ب) مالکیت انتفاعی
۶۴	۲ - آپارتمان سامان ونک
۶۷	<u>پنج - حکم</u>

يك - پیشگفتار

۱- خواهان پرونده حاضر **رضا نمازی** است (اختصاراً، "خواهان") که تابعیت دوگانه ایران و ایالات متحده را دارد و تابعیت غالب و موثر وی تابعیت ایالات متحده می‌باشد. خواننده پرونده حاضر، **دولت جمهوری اسلامی ایران** است (اختصاراً "خواننده"). خواهان ادعا می‌کند که در ایران صاحب مستغلات و سهامی بود که بخش اعظم آنها از پدر بزرگ او مهدی نمازی و پدرش حسین نمازی به وی منتقل شده بود. خواهان اظهار می‌دارد که مصادره علایق مالکانه وی در این اموال در خلال سال ۱۹۷۹ و مشخصاً طی جریانی صورت گرفت که خواننده اموال خانواده نمازی را به موجب قانون و حکم دادگاه مصادره نمود. خواهان غرامتی به مبلغ ۲۲۵،۹۵۸،۴۵۸/ دلار مشتمل بر -/۳۸،۳۸۷،۰۲۹ دلار بابت مستغلات و -/۱۸۷،۵۷۱،۴۲۹ دلار بابت سهام به اضافه بهره از تاریخ مصادره و هزینه های داورى مطالبه می‌کند.

۲- خواننده اذعان دارد که اموال متعلق به تعدادی از اعضای خانواده نمازی را مصادره کرده و اظهار می‌دارد که این مصادره در آوریل ۱۹۷۹ صورت گرفت، لیکن انکار می‌کند که خواهان هیچگونه مال منقول و غیرمنقولی در ایران داشته باشد و می‌گوید که انتقال ادعای اموال از پدر بزرگ و پدر خواهان به وی فاقد اعتبار است. در نتیجه، خواننده مصادره اموال متعلق به خواهان را انکار و تقاضا می‌کند که دعوی حاضر رد و هزینه های داورى به وی پرداخت گردد.

دو - سابقه رسیدگی

۳- خواهان و مادرش، لوز بلن نمازی در تاریخ ۲۸ مهر ماه ۱۳۶۰ [۲۰ اکتبر ۱۹۸۱] دادخواستی به ثبت رساندند و خواننده در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ [۱۴ مه ۱۹۸۲] لایحه دفاعی خود را ثبت نمود. تبادل لوایح راجع به موضوع تابعیت در تاریخ ۳۱ فروردین ماه ۱۳۶۸ [۲۰ آوریل ۱۹۸۹] پایان یافت. در تاریخ ۱۹ تیر ماه ۱۳۶۹ [دهم ژوئیه ۱۹۹۰] دیوان حکمی جزئی صادر کرد و طی آن رأی داد که طی دوره ذیربط، یعنی از زمان بروز دعاوی خواهان ها تا ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]^۱ رضا نمازی تابعیت غالب و موثر ایالات متحده را داشته اما لوز بلن نمازی چنین تابعیت غالب و موثری نداشته است. بنگرید به: حکم

^۱ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] تاریخ قطع صلاحیت دیوان است.

جزئی شماره ۳-۴-۴۸۷ مورخ ۱۹ تیر ماه ۱۳۶۹ [دهم ژوئیه ۱۹۹۰] در پرونده رضا نمازی و لوز بلن نمازی و جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در: 25 Iran-U.S. C.T.R. 153. در تاریخ نهم شهریور ماه ۱۳۶۹ [۳۱ اوت ۱۹۹۰] قاضی پرویز انصاری نظر جداگانه ای در پرونده حاضر به ثبت رساند.

۴- متعاقب درخواست خواهان مبنی بر الزام خواننده به ارائه مدارک مربوط به مصادره ادعائی اموال خانواده نمازی و اعتراض خواننده به درخواست مذکور، دیوان در تاریخ ۲۶ آذر ماه ۱۳۶۹ [۱۷ دسامبر ۱۹۹۰] از خواننده خواست که مدارک مشخصی را تسلیم نماید. دیوان همچنین به خواهان دستور داد که لایحه و ادله و مدارک راجع به ماهیت دعوی را به ثبت رساند. در پاسخ به دستور فوق الذکر، خواننده در تاریخ ۲۰ خرداد ماه ۱۳۷۰ [دهم ژوئن ۱۹۹۱] لایحه ای ثبت نمود.

۵- در تاریخ ۱۹ شهریور ماه ۱۳۷۰ [دهم سپتامبر ۱۹۹۱] خواهان اجازه خواست که نوارهای ویدئو حاوی شهادت شفاهی به دیوان تسلیم نماید. در تاریخ ۲۲ شهریور ماه ۱۳۷۰ [۱۳ سپتامبر ۱۹۹۱] خواننده درخواست نمود نسخه ای از اینگونه نوارهای ویدئو در اختیار وی نیز قرار گیرد. در تاریخ ۲۹ شهریور ماه ۱۳۷۰ [۲۰ سپتامبر ۱۹۹۱] دیوان به خواهان دستور داد که نه نسخه از هر یک از نوارهای ویدئو به هر دو زبان انگلیسی و فارسی تسلیم نماید و صراحتاً اعلام کرد که درباره قابلیت پذیرش نوارها بعداً تصمیم خواهد گرفت. مقرر گردید که سه نسخه از نوارهای انگلیسی و سه نسخه از نوارهای فارسی طبق استاندارد فنی معمول در ایران تهیه شود. همچنین، از خواهان خواسته شد که متن استنساخ شده ویدئوهای مذکور را به زبانهای انگلیسی و فارسی و به تعداد معمول به دیوان تسلیم نماید. و بالاخره دیوان مقرر داشت که:

خواهان و یا وکیل وی باید کلیه اقدامات مقتضی را به عمل آورده، ترتیبی دهند که صحت و اصالت نوارها به تأیید برسد و در لایحه ای که قرار است پیرو . . . دستور حاضر ثبت گردد، اقدامات مزبور از جمله، و بدون قید محدودیت، چگونگی تهیه نوارهای ویدئو تشریح گردد.

۶- در تاریخ ۲۰ آبان ماه ۱۳۷۰ [۱۱ نوامبر ۱۹۹۱] خواهان لایحه خود راجع به ماهیت دعوی را به همراه نوارهای ویدئو به دیوان تسلیم کرد. شهادتهای ادا شده در یکایک نوارهای مزبور به هر دو زبان انگلیسی و فارسی بود. در همان تاریخ، خواهان لایحه ای تحت عنوان "لایحه

درخواست پذیرش شهادت‌های ضبط شده بر روی نوار ویدئو به عنوان مدرک" نزد دیوان به ثبت رساند. نظر به اینکه خواهان نخواست هیچیک از نوارهای ویدئو را در جلسه استماع نشان دهد و نیز با توجه به اینکه دیوان توانست به جای خود نوارهای ویدئو، به عنوان دلیل به متن استنساخ شده آنها که تسلیم شده بود استناد نماید، دیوان تصمیم گیری راجع به قابلیت پذیرش نوارهای ویدئو را ضروری نمی‌داند.

۷- خواننده بخشهایی از لایحه خود راجع به ماهیت پرونده را در تاریخ ۲۳ آذر ماه ۱۳۷۱ [۱۴ دسامبر ۱۹۹۲] و مابقی آنرا در تاریخ نهم دی ماه ۱۳۷۱ [۳۰ دسامبر ۱۹۹۲] ثبت نمود. پس از آنکه طرفین لوایح و ادله معارض خود را به ثبت رساندند، خواهان در تاریخ دوم تیر ماه ۱۳۷۳ [۲۳ ژوئن ۱۹۹۴] لایحه ای تحت عنوان "تذکاریه ایالات متحده درباره موضوع اخطار مندرج در پرونده الف - ۱۸" همراه با یادداشتی مبنی بر قصد استناد به لایحه مذکور به دیوان تسلیم کرد. خواننده طی اظهاریه مورخ ششم تیر ماه ۱۳۷۳ [۲۷ ژوئن ۱۹۹۴] خود با این استدلال که لایحه مزبور بعد از تاریخ تسلیم آخرین لایحه خواننده ارائه شده است نسبت به پذیرش آن اعتراض کرد. خواننده تخیراً درخواست نمود که فرصت پاسخگویی به لایحه یادشده به وی اعطا گردد. دیوان طی دستور مورخ هشتم تیر ماه ۱۳۷۳ [۲۹ ژوئن ۱۹۹۴] به طرفین اطلاع داد که تصمیم گرفته است "تذکاریه ایالات متحده راجع به موضوع اخطار مندرج در پرونده الف - ۱۸" را برای ثبت در سوابق بپذیرد و از خواننده درخواست کرد که به تذکاریه مزبور پاسخ دهد. در تاریخ ۲۵ شهریور ماه ۱۳۶۳ [۱۶ سپتامبر ۱۹۹۴] خواننده لایحه ای تحت عنوان "لایحه دولت جمهوری اسلامی ایران درباره اخطار پرونده الف - ۱۸" ثبت نمود.

۸- در تاریخ ۲۴ بهمن ماه ۱۳۷۳ [۱۳ فوریه ۱۹۹۵] خواننده فهرست اسامی شهودی را که قصد داشت در جلسه استماع معرفی نماید ثبت نمود. در تاریخ ۲۲ اسفند ماه ۱۳۷۳ [۱۳ مارس ۱۹۹۵]، یعنی یک روز قبل از جلسه استماع، خواهان لایحه ای به دیوان تسلیم کرد که صورت اسامی شهود معارض در آن گنجانده شده بود. در لایحه مزبور، خواهان استدلال نمود که معرفی شهود خاصی توسط خواننده حاکی از آن است که وی قصد دارد موضوعات جدیدی در جلسه استماع مطرح نماید و منظور خواهان از معرفی دو شاهد معارض پاسخگویی به هرگونه ادله ای است که احیاناً خواننده در خصوص آن موضوعات ارائه نماید. خواهان همچنین از دیوان اجازه خواست که یکی از دو شاهد معارض را به عنوان شاهد معارض در کلیه موضوعات معرفی کند و اعلام داشت که مایل است در جلسه استماع "مدارک معارض" ارائه نماید. و بالاخره، خواهان در لایحه مذکور به سایر جنبه های پرونده و تاریخچه رسیدگی آن پرداخت.

۹- دیوان طی دستور مورخ ۲۲ اسفند ماه ۱۳۷۲ [۱۳ مارس ۱۹۹۵] به طرفین اعلام کرد که هر دو شاهد معارض معرفی شده توسط خواهان را می‌پذیرد، با این ترتیب که یکی از آنان صرفاً درباره موضوعات خاص و دیگری کلاً به عنوان شاهد معارض اجازه شهادت خواهد داشت. در خصوص پذیرش مدارک دیگری در جلسه استماع، دیوان اعلام کرد که "قبل از آنکه، ماهیت و هدف و محتوای آنها روشن شود" نمی‌تواند راجع به پذیرش اینگونه مدارک اظهار نظر کند دیوان همچنین اعلام نمود که آن قسمت از لوائح خواهان که حاوی استدلالاتی در ماهیت دعوی است با تأخیر به ثبت رسیده و لذا آن را از سوابق پرونده حذف کرد.

۱۰- جلسه استماع پرونده حاضر در تاریخهای ۲۳ و ۲۴ اسفند ماه ۱۳۷۲ [۱۴ و ۱۵ مارس ۱۹۹۵] برگزار شد.

سه - صلاحیت

۱۱- خواهان تابعیت دوگانه ایران و ایالات متحده را دارد. دیوان بر اساس رأی صادره در پرونده جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، تصمیم شماره الف-۱۸ - ۳۲ هیئت عمومی، مورخ ۱۷ فروردین ماه ۱۳۶۳ [ششم آوریل ۱۹۸۴]، قبلاً نظر داده است که تابعیت غالب و موثر خواهان طی دوره ذریبط، تابعیت ایالات متحده بوده است (بنگرید به: بند ۳ بالا).

۱۲- بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی مقرر می‌دارد که دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعاهائی را دارد "که در تاریخ این بیانیه [۲۹ دیماه ۱۳۵۹ / ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] پابرجا بوده . . . و از دیون، قراردادهای . . . ضبط اموال و یا هر اقدام دیگر موثر در حقوق مالکیت ناشی شده باشند". ادعای حاضر بر مبنای مصادره ادعائی حقوق مالکیت اقامه شده و لذا موضوعاً در صلاحیت دیوان قرار می‌گیرد. علاوه بر این، هر دو طرف قبول دارند که اموالی که حسب ادعا متعلق به خواهان است، بجز يك دستگاه آپارتمان، زمانی در سال ۱۹۷۹ مصادره شده است، هر چند که طرفین بر سر تاریخ دقیق آن اختلاف نظر دارند. خواهان اظهار می‌دارد که آپارتمان مورد بحث در دسامبر ۱۹۷۹ مصادره گردید. بنابراین، ادعا، حتی اگر ایجاد شده باشد، در تاریخی قبل از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] ایجاد گردیده و بنابراین، از لحاظ زمانی در صلاحیت دیوان قرار می‌گیرد.

چهار - مالکیتالف - واقعیات و اظهارات

۱۳- اینک دیوان به بررسی ماهیت دعوی می‌پردازد. خواهان در سال ۱۹۴۹ متولد شد و ۱۲ سال اول زندگی خود را در ایران گذراند. از قرار معلوم، خانواده وی در ایران سرشناس و صاحب ثروت فراوان بوده است. در فاصله سالهای ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۸ خواهان ابتدا مدتی در انگلستان و سپس در ایالات متحده زندگی کرد و تحصیلات خود را با اخذ درجات لیسانس تا دکتری در روانشناسی به پایان رساند. در اوایل سال ۱۹۷۸، یعنی بلافاصله پس از خاتمه تحصیلاتش، خواهان برای تدریس در رشته روانشناسی بالینی در مرکز پزشکی شاهنشاهی که قرار بود در تهران تأسیس شود استخدام گردید و در نوامبر ۱۹۷۹ به ایران مراجعت کرد. مرکز پزشکی مذکور به علت آشفتگی های سیاسی تأسیس نشد، اما خواهان تا اوت ۱۹۷۹ در ایران ماند.^۲

۱۴- خواهان ادعا می‌کند که مدت کوتاهی پس از ورود به تهران در سال ۱۹۷۸ اموالی از سه منبع مختلف بدست آورد. اولاً، وی اظهار می‌دارد که آپارتمانی برای سکونت شخصی در مجتمع مسکونی سامان ونک واقع در تهران ("آپارتمان سامان ونک") خریداری کرد. مهمتر اینکه، خواهان می‌گوید که پدر بزرگش مهدی نمازی یک سوم اموال خود و پدرش حسین نمازی، کلیه اموال خود را به او منتقل کرد. در واقع، خواهان مدعی است که یکی از دلایل مراجعتش به ایران در سال ۱۹۷۸، علاوه بر ایجاد یک دوره تحصیلی در مرکز پزشکی شاهنشاهی، دریافت اموال مزبور از پدر و پدر بزرگش بود. خواهان ادعا می‌کند که خواننده بعداً کلیه این اموال را مصادره کرد.

۱۵- خواهان مدعی است که در نتیجه تحصیل اموال موصوف در بالا، وی صاحب ۲۳ قطعه مستغلات در نقاط مختلف ایران و سهام پنج شرکت ایرانی به شرح زیر گردید: شرکت سیمان فارس و خوزستان، شرکت بیمه دانا، بانک توسعه صنعتی و معدن (بانک صنعت و معدن فعلی)،

^۲ شرح مفصل تر احوال خواهان در حکم جزئی صادره در همین پرونده آمده است. بنگرید به: رضا نمازی و لوز بلن نمازی، 25 Iran- U.S. C.T.R. at 155-57.

بانك ایران و خاورمیانه (بانك تجارت فعلی) و شركت رود.^۳ خواهان ادعا می‌کند که در تاریخ مصادره، ارزش مستغلات -/۳۸,۳۸۷,۰۲۹ دلار و ارزش سهام -/۱۸۷,۵۷۱,۴۲۹ دلار، یعنی ارزش آنها جمعاً -/۲۲۵,۹۵۸,۴۵۸ دلار بود.

۱۶- خواهان اظهار می‌دارد که دیگر به هیچک از مدارك کتبی که دلالت بر مالکیت قانونی وی بر اموال مذکور داشته باشد، دسترسی ندارد. وی می‌افزاید که هیچک از افراد خانواده نمازی یا وابستگان آنها موفق نشدند بعد از انقلاب اسلامی هیچک از مدارك ذریبط را هنگام خروج از ایران با خود ببرند. خواهان درخواست کرد به خواننده تکلیف شود که مدارك و سوابق مختلف را، که به اعتقاد وی مالکیت او را نسبت به اموال مورد بحث و مصادره آنها توسط خواننده را ثابت می‌کنند، ارائه نماید. خواننده وجود برخی از مدارك مورد درخواست خواهان را انکار می‌کند. اما بنظر می‌رسد که خواننده کلیه مدارکی را که دیوان دقیقاً مشخص و مقرر نموده، ارائه کرده باشد.

۱ - اموالی که حسب ادعا از مهدی و حسین نمازی به خواهان منتقل شده است

(الف) اظهارات خواهان

۱۷- خواهان بدو اظهار داشت که انتقال اموال از پدر و پدربزرگش در ژانویه ۱۹۷۹ صورت گرفت، اما در لوایح بعدی خود اظهار نمود که اموال پدرش در تاریخ ۱۶ بهمن ماه ۱۳۵۷ [پنجم فوریه ۱۹۷۹] و اموال پدربزرگش در تاریخ ۱۷ بهمن ماه ۱۳۵۷ [ششم فوریه ۱۹۷۹] به وی منتقل شد. اما در شهادت ضبط شده در نوار ویدئو که به همراه متن استنساخ شده آن توسط خواهان به دیوان تسلیم گردیده، آقای عبدالکریم مینو، که سالهای متمادی مشاور مالی خانواده نمازی بوده، پیوسته اظهار داشته است که انتقالات مزبور در سال ۱۹۷۸ صورت گرفت.

۱۸- خواهان در تأیید ادعای خود مبنی بر اینکه پدر و پدربزرگش مستغلات و سهامی را به وی منتقل کرده اند اظهار می‌دارد که

^۲ خواهان ادعا می‌کند که مهدی نمازی ۱,۹۰۰ سهم شرکت بیمه دانا، ۴۸,۲۷۹ سهم شرکت سیمان فارس و خوزستان، ۴۵,۶۹۶ سهم بانك توسعه صنعتی و معدن، ۹,۷۳۰ سهم بانك ایران و خاورمیانه و ۱,۷۴۲ سهم شرکت رود را به وی منتقل کرد. خواهان همچنین اظهار می‌دارد که حسین نمازی ۱۶,۵۰۰ سهم شرکت سیمان فارس و خوزستان، ۲۰,۰۰۰ سهم بانك توسعه صنعتی و معدنی و ۱,۲۰۰ سهم بانك ایران و خاورمیانه را به وی انتقال داد.

پدربزرگ و پدر من هرگونه اقدامی را که برای انجام این انتقالات بلاعوض (هیه) مقتضی و لازم می‌دیدند به عمل آوردند. نامه هائی . . . به دفترخانه اسناد رسمی شماره ۶۴ تهران تسلیم گردید تا بر اساس آنها کار انتقال مستغلات صورت گیرد. همچنین دستوراتی به کلیه شرکتهای یادشده ارسال و طی آنها خواسته شد که نام صاحب سهام را در دفاتر خود تغییر دهند.

ادله عمده ای که خواهان در تأیید ادعای ۲۲۵ میلیون دلاری خود تسلیم کرده، عبارتست از فتوکپی شش فقره نامه که بنا به ادعا در سال ۱۹۷۹ توسط مهدی نمازی، حسین نمازی و آقای مینو نوشته شده اند. نامه های مزبور به زبان فارسی است و خواهان ترجمه انگلیسی آنها را ارائه کرده است.^۴ خواهان می‌گوید که این شش فقره نامه "نشان می‌دهند . . . که کلیه اقداماتی که مقدور بود برای انجام تشریفات انتقالات مورد بحث به عمل آید، به عمل آمد." ^۵

۱۹- سه نامه اول به تاریخ ۱۶ بهمن ماه ۱۳۵۷ [پنجم فوریه ۱۹۷۹] و به امضای حسین نمازی است. اولین نامه خطاب به بانک ایران و خاورمیانه است و حسین نمازی طی آن به بانک اطلاع داده است که او و مهدی نمازی سهام متعلق به خود در بانک مزبور را به خواهان منتقل کرده اند و از بانک تقاضا کرده است که "در موقع افزایش سرمایه ها که در جلسه اخیر هیئت مدیره درباره آن اتخاذ تصمیم گردید سهام جدید به نام مشارالیه صادر گردد."

۲۰- نامه دوم حسین نمازی به شرکت سیمان فارس و خوزستان نوشته شده و در آن آمده است که حسین و مهدی نمازی کلیه سهام خود را به خواهان "واگذار نموده" و از شرکت درخواست نموده اند ترتیبی داده شود "که در موقع تغییر و یا انتشار سهام جدید کلیه به نام ایشان ثبت گردد."

۲۱- سومین نامه از حسین نمازی است به دفترخانه اسناد رسمی شماره ۶۴ تهران که طی آن به دفترخانه اعلام شده است که حسین نمازی کلیه اموال خود را به خواهان واگذار نموده و از دفترخانه مزبور درخواست می‌کند که "اسناد مالکیت متعلق به اینجانب را به ایشان انتقال دهند."

^۴ بخش ترجمه دیوان نیز نامه های مذکور را به انگلیسی ترجمه کرد. در موارد بروز اختلافات مختصر، استناد دیوان به ترجمه های اخیر بوده است.

^۵ هر دو انتقال دهنده ادعائی اموال، قبل از تاریخ جلسه استماع درگذشتند. مهدی نمازی در دسامبر ۱۹۷۹ و حسین نمازی در اوایل سالهای دهه ۱۹۹۰ فوت کردند.

۲۲- چهارمین و پنجمین نامه ارائه شده توسط خواهان به تاریخ ۱۷ بهمن ماه ۱۳۵۷ [ششم فوریه ۱۹۷۹] می‌باشد. نامه چهارم نامه ای است از مهدی نمازی به آقای مینو که طی آن مهدی نمازی به آقای مینو اطلاع می‌دهد که "ثلث دارائی خود" را به خواهان واگذار نموده است. وی فهرستی از سهام مورد انتقال را در اختیار آقای مینو می‌گذارد و بنحوی بسیار کلی به اموال غیرمنقول و مستغلات خود اشاره می‌کند و از آقای مینو می‌خواهد که اموال را رسماً انتقال داده، کلیه اسناد و دفاتر را از طرف وی امضاء نماید. همچنین از آقای مینو خواسته شده است که مراقبت نماید که بعداً يك سوم "از بقیه اموال" به ایشان [خواهان] منتقل گردد.

۲۳- نامه پنجم نیز که به تاریخ ۱۷ بهمن ماه ۱۳۵۷ [ششم فوریه ۱۹۷۹] است از آقای مینو به دفترخانه اسناد رسمی شماره ۶۴ تهران نوشته شده و طی آن آقای مینو به دفترخانه مزبور اطلاع داده است که مهدی نمازی "دو دانگ از کلیه املاک و مستغلات متعلق به خود را به نوه خویش آقای دکتر رضا نمازی... انتقال داده اند" و از دفترخانه می‌خواهد که "برای ثبت آنها در دفاتر اقدام" نماید. در خاتمه این نامه آمده است که "کلیه مخارج ثبت و مالیات از طرف جناب آقای [مهدی] نمازی پرداخت خواهد شد."

۲۴- ششمین نامه را آقای مینو در تاریخ ۱۸ بهمن ماه ۱۳۵۷ [هفتم فوریه ۱۹۷۹] به خواهان نوشته و طی آن به خواهان اطلاع داده است که مهدی نمازی "بنا به توصیه و راهنمایی پدرتان [حسین نمازی]... يك سوم دارائی خود را قانوناً به شما [خواهان] واگذار نموده" و در عین حال "اصرار... فرمودند تا زمانیکه صلاح و مصلحت ایجاب نماید کلیه امور مربوط به این اموال می‌بایستی زیرنظر جناب آقای حسین نمازی اداره گردد." آقای مینو سپس اضافه می‌کند که طبق دستور مهدی نمازی "درآمد حاصله در مدت حیات کماکان به مشارالیه تعلق خواهد داشت." و در خاتمه می‌افزاید که:

ارزش واقعی سهام به مراتب بیش از قیمت‌هایی است که در بورس تهران اعلان می‌گردید و اموال غیرمنقول و مستغلات شما... در مرغوبترین نقاط شهر واقع شده و ارزش آنها رو به ترقی است.

۲۵- بطوریکه قبلاً گفته شد (بنگرید به: بند ۱۸ بالا)، خواهان فتوکپی این شش فقره نامه را ارائه کرده است. بنا به گفته خواهان، آقای مینو پس از ورود به ایالات متحده فتوکپی نامه‌ها و سایر مدارک را از ایران دریافت نمود. آقای مینو طی شهادت ضبط شده بر روی نوار ویدئو

که در بالا بدان اشاره شد (بنگرید به: بند ۱۷ بالا) صحت نامه های مذکور را تأیید می‌کند^۱. خواهان اظهار می‌دارد که قادر نیست اصول سه نامه اول و نامه پنجم را که در بالا توصیف شد ارائه نماید زیرا نامه های مزبور به سازمانهای زیربط ارسال شده اند، اما از طرفی در یکی از لوایح خود می‌گوید که اصول نامه های مزبور "توسط عمال خوانده، افراد کمیته های انقلاب، از گاو صندوق دفاتری که . . . مینو تا قبل از اواسط آوریل ۱۹۷۹ در آن کار می‌کرد" [خارج] و ضبط گردید.

۲۶- خواهان همچنین اظهار می‌دارد که به موجب وکالتنامه مورخ ۲۷ بهمن ماه ۱۳۵۲ [۱۶ فوریه ۱۹۷۴] مهدی نمازی به آقای مینو، که نسخه ای از آن به دیوان تسلیم شده، آقای مینو اختیار داشت که از طرف مهدی نمازی اقدام به معامله نماید. خواهان استدلال می‌کند که با این وکالت نامه آقای مینو می‌توانسته تشریفات قانونی لازم برای انتقال ثلث اموال مهدی نمازی به خواهان را انجام دهد.

۲۷- علاوه بر این، خواهان ادعا می‌کند مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی ایران، نامه های مزبور در حدی است که می‌تواند قراردادهای خصوصی و نافذ محسوب شود. ماده ۱۰ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد که "قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آنرا منعقد نموده اند در صورتیکه مخالف صریح قانون نباشد نافذ است." خواهان معتقد است که قراردادهای ادعائی مذکور با هیچ قانونی مبیانت ندارند و می‌افزاید که نامه های مورد بحث، طبق ماده ۱۹۰ قانون مدنی ایران که آن نیز به عقود مربوط می‌شود، وسیله ای رسمی و معتبر برای نقل و انتقال اموال غیرمنقول محسوب می‌گردند.

۲۸- موضع خواهان راجع به تشریفات انتقال در مورد اموال مورد بحث، در طول رسیدگی پرونده حاضر ناهمگون بوده است. چنانکه قبلاً خاطر نشان شد، ادعای اولیه خواهان آن بود که شش نامه ای که وی تسلیم کرده ثابت می‌کند که "پدر بزرگ و پدر من هرگونه اقدامی را که برای انجام این انتقالات بلاعوض (هبه) مقتضی و لازم می‌دیدند به عمل آوردند." (بنگرید به: بند ۱۸ بالا). لیکن در سراسر لوایح کتبی تسلیمی در پرونده، خواهان اذعان کرده است که تشریفات لازم برای انتقال قانونی اموال مورد بحث از پدر و پدر بزرگش به وی انجام نشده

^۱ نوار ویدئوی شهادت آقای مینو در سال ۱۹۸۴ تهیه شده است. نامبرده در سال ۱۹۹۰ قبل از تاریخ جلسه استماع پرونده حاضر درگذشت.

است. وی عدم انجام تشریفات مزبور را به این واقعیات نسبت داد که طی ماه فوریه ۱۹۷۹ اغتشاشات انقلابی وجود داشت، اغلب ادارات تعطیل بودند "پست کار نمی‌کرد و ارسال نامه‌ها متوقف شده بود و در پیشبرد دگرگونی‌های انقلاب نامه‌ها باز می‌شد." خواهان در لایحه معارض خود اذعان کرد که به دلایل فوق، انجام کلیه تشریفات ممکن نبود و علاقه مالکانه خود در اموال موضوع پرونده را که حسب ادعا از پدر بزرگ و پدرش به وی انتقال یافته "مالکیت منافع" توصیف کرده است. وکیل خواهان در اظهارات پایانی خود در جلسه استماع اظهار داشت که:

ما ادعا نمی‌کنیم که این نامه‌ها در حکم انتقال قانونی مالکیت یا بخودی خود و به تنهایی در حکم قرارداد هیبه هستند اما معتقدیم که نامه‌های مزبور به قدر کافی نشانگر قصد مهدی نمازی، پدر بزرگ و حسین نمازی، پدر خواهان می‌باشند و بنابراین ادله کافی بوده و ادعای مالکیت منافع در اموال مزبور را بعضاً تأیید می‌کنند.

۲۹- لیکن در جلسه استماع خواهان برای اولین بار اظهار نمود که در ارتباط با موضوع انتقال اموال غیرمنقول پدر بزرگ و پدرش به خود، فی‌الواقع به یک دفتر اسناد رسمی در تهران مراجعه و طی آن مراجعه اوراقی را هم امضاء کرده بود. وی شهادت داد که این امر تقریباً یک هفته بعد از نگارش نامه‌ها به وقوع پیوست و پدرش و آقای مینو همراه وی بودند. لیکن نه آقای مینو و نه پدر خواهان هیچکدام در شهادتنامه‌های خود اشاره‌ای به این مراجعه ادعایی نکردند. به علاوه، خواهان نتوانست تاریخ دقیق این مراجعه و محل دفتر، نام سردفتر و ماهیت دقیق یا تعداد اوراقی را که امضاء کرده مشخص نماید. وی گفت که شاید مراجعه وی به دفتر اسناد رسمی به منظور آغاز جریان قانونی انتقال بوده و نه در واقع پایان امر انتقال.

۳۰- خواهان اظهار می‌دارد که انتقال اموال از پدر بزرگش به وی بدنبال تصمیمی صورت گرفت که پدر بزرگ او اتخاذ کرده بود که اموال خود را در زمان حیاتش بطور مساوی بین سه فرزندش تقسیم نماید. سه فرزند مهدی نمازی عبارت بودند از حسین نمازی (پدر خواهان)، مهین نمازی (عمه خواهان) و محمد شفیق نمازی (عموی خواهان). خواهر خواهان، روشن گلشائیان در جلسه استماع شهادت داد که وی نیز اطلاع داشت که مهدی نمازی در نظر دارد یک سوم اموالش را به هر یک از فرزندان خود واگذار نماید.

۳۱- انگیزه انتقال اموال مهدی نمازی به سه فرزندش حسب ادعا این بود که وی مبتلا به

بیماری پارکینسون بود که منجر به فرسودگی اعضا می‌شود. در جلسه استماع دکتر پرویز سروری از طرف خواهان شهادت داد و تأیید نمود که مهدی نمازی به علت بیماری پارکینسون از اواسط سالهای دهه ۱۹۶۰ تا زمان فوت در دسامبر ۱۹۷۹ تحت معالجه وی بود.

۳۲- خواهان ادعا می‌کند که پدربزرگش متعاقب تصمیمی که راجع به تقسیم اموال خود گرفت، یکی از شرکت های خانواده نمازی به نام ایران ماشین را در اواسط سالهای دهه ۱۹۷۰ به عمومی خواهان، محمد شفیع نمازی، و یک منزل بزرگ خانوادگی واقع در شیراز را در زمانی بین سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۶ به عمه خواهان، خانم مهین نمازی بخشید و علاوه بر این، یکدستگاه آپارتمان در پاریس به وی داده و برای خرید آپارتمانی در نیویورک به مشارالیه کمک کرد. خواهان ادعا می‌کند که پدر وی، برعکس عمو و عمه اش مشخصاً از مهدی نمازی خواست که به او اموالی انتقال دهد و در عوض، پس از مراجعت خواهان به ایران اموال را مستقیماً به خواهان واگذار کند.

۳۳- خواهان اظهار می‌دارد که به نظر وی، پدرش به منظور اجتناب از پرداخت مالیات بر ارث یا پرداخت مضاعف مالیات بر هبه، از مهدی نمازی خواست که سهم او از اموال را مستقیماً به خواهان منتقل نماید. خواهان ادعا می‌کند که این قبیل "انتقالات مستقیم از اجداد به نوادگان" غالباً معمول است تا از پرداخت مالیات و هزینه های انتقال مربوط به ارثیه کاسته شود. خواهان همچنین اظهار می‌دارد که به نظر وی آقای مینو ترتیب پرداخت مالیات بر هبه را داده است، لیکن در سوابق پرونده، چه در شهادت آقای مینو یا در هیچ جای دیگری، دلیلی بر پرداخت چنین مبلغی وجود ندارد. خواهان همچنین نتوانست رقمی را که بابت مالیات بر هبه یا ارث احتمالاً پرداخت شده (یا باید پرداخت شود) تعیین نماید، که البته این قصور، با توجه به ارزش انتقالات ادعائی و در نتیجه، مبلغ مالیاتی که باید پرداخت می‌شده، تا حدودی تعجب آور است.

۳۴- خواهان همچنین اظهار می‌دارد که اموال مورد بحث به این دلیل به وی واگذار شد که اولاً وی به عنوان پسر ارشد مسن ترین فرزند نکور در خانواده منزلت ویژه ای داشت و ثانیاً بدین سبب که چون در خانواده نمازی او اولین نفری بود که نه تنها مدرک دانشگاهی بلکه درجه دکتری دریافت می‌کرد، پدر و پدربزرگش خاصه به او مباحثات می‌کردند.

۳۵- در جلسه استماع، روشن گلشائیان، خواهر خواهان، شهادت داد که پدر و پدربزرگ آنان آرزو داشتند که با انتقال اموال مزبور به خواهان و درگیر نمودن او در امور تجاری خانواده،

وی را ترغیب کنند که بطور دائم به ایران بازگردد. اما خواهان اظهار نمود که در سال ۱۹۷۸ که به ایران رفت، صرفاً قصد اقامت موقت داشت. وی ادعا نمود که قصد داشت پس از انتقال اموال آنها را بفروشد و عواید حاصله را در ایالات متحده سرمایه گذاری کند. خواهان اضافه می‌کند که پدر و پدربزرگش از این تصمیم وی اطلاع داشتند.

(ب) اظهارات خواننده

۳۶- موضع اصلی خواننده آن است که انتقال ادعائی از مهدی و حسین نمازی به خواهان تحقق نیافته و ادله خواهان در تأیید این ادعا ساختگی است. خواننده گرچه اذعان می‌کند که اموال مهدی و حسین نمازی را مصادره نموده، لیکن استدلال وی این است که خواهان مالک هیچ بخشی از اموال مصادره شده نبوده و لذا ادعائی نمی‌تواند داشته باشد. بطور اخص، خواننده اظهار می‌دارد که:

انکار نمی‌کند که اموال ... مهدی نمازی و ... حسین نمازی مصادره شده ولی رضا نمازی وقتی می‌تواند ادعائی در این مورد داشته باشد که در زمان صدور حکم مصادره شخصاً مالی داشته باشد که مشمول حکم قرار گیرد تا در صورت اجرای حکم و انجام مصادره ادعا ایجاد شده و صاحب منفعت در دعوی و حق طرح آن را داشته باشد و خواننده صراحتاً اعلام می‌دارد از رضا نمازی چیزی گرفته نشده تا بتواند ادعائی طرح کند.

۳۷- خواننده منکر آن است که خود وی یا هیچیک از واحدهای تحت کنترل وی اصل شش نامه مورد بحث را که خواهان تسلیم کرده در اختیار داشته باشد و اظهار می‌دارد که چنانچه خواهان اصل آنها را ارائه نکند، ادله تسلیمی باید رد گردد. علاوه بر این، خواننده در اصالت شش نامه تسلیمی خواهان اظهار تردید می‌نماید و آنها را "مخدوش، ناقص و ساختگی" می‌نامد. وی اظهار می‌دارد که امضاهای مهدی نمازی و آقای مینو با امضاهای اصیل آنان "مطابقت ندارند" و در اثبات اظهارات فوق، گزارشی از يك کارشناس رسمی خط تسلیم کرده که اصالت امضای مهدی نمازی را انکار می‌نماید.

۳۸- در پاسخ به اظهار فوق، خواهان اظهار می‌دارد که آقای مینو دو نوع امضا داشته، یکی امضای فارسی برای استفاده در ایران و دیگری امضای انگلیسی برای استفاده در خارج از ایران. وی همچنین ادعا می‌کند که امضای مهدی نمازی در اثر گذشت زمان و به تدریج که حالت مزاجی وی در نتیجه بیماری پارکینسون رو به وخامت گذاشت تغییر کرد. وی به منظور مقایسه، امضای

مهدی نمازی روی سند دیگری از همان دوره زمانی، یعنی تغییرات اساسنامه بنیاد مهدی نمازی، مورخ اول فروردین ۱۳۵۸ [۲۱ مارس ۱۹۷۹] را ارائه کرده است.

۳۹- خواننده در اثبات باز هم بیشتر ادعای خود مبنی بر اینکه انتقال اموال تحقق نیافته، اظهار می‌دارد که مهدی نمازی در زمانی که حسب ادعا انتقال انجام می‌شده (فوریه ۱۹۷۹) در حالت اغماء بوده بطوریکه تنظیم سند و اجرای تشریفات انتقال اموال به خواهان برای وی عملاً غیرممکن بود. شهادت دو تن از شهود خواننده در جلسه استماع این اظهار را تأیید می‌نماید. ایندو نفر عبارت بودند از خانم مهین نمازی عمه خواهان و دختر مهدی نمازی، و خانم زهرا صفاریان که در سالهای آخر زندگی مهدی نمازی، پرستار شخصی وی بود. خانم نمازی شهادت داد که مهدی نمازی در تابستان ۱۳۵۷ [۱۹۷۸] در اثر زمین خوردن دچار اغماء شد و تا هنگام فوت در آذرماه ۱۳۵۸ [دسامبر ۱۹۷۹] هیچگاه به هوش نیامد. شهادت خانم صفاریان، اظهارات وی را تأیید کرد.

۴۰- دو شاهد معارض خواهان، به نام دکتر پرویز سروری که پزشک معالج شخصی مهدی نمازی بود و خانم گلشائیان در جلسه استماع شهادت خانم نمازی و خانم صفاریان را تکذیب کردند. دکتر سروری شهادت داد که مهدی نمازی فقط چند هفته قبل از مرگ در دسامبر ۱۹۷۹ به حال اغماء افتاد. وی علاوه بر این اظهار داشت که حالت اغما به علت مسمومیت از اوره و در نتیجه نارسائی کلیه بود و نه در نتیجه زمین خوردن در تابستان ۱۳۵۷ [۱۹۷۸]. خانم گلشائیان نیز شهادت داد که مهدی نمازی فقط مدت کوتاهی قبل از مرگش در دسامبر ۱۹۷۹ به حال اغماء افتاد. وی گفت که مهدی نمازی در ماه ژوئن ۱۹۷۹ در مراسم عروسی خواهان حضور داشت و اضافه کرد که عکسی از حضور او در این مراسم را در اختیار دارد.

۴۱- خواننده اظهار می‌دارد که باور کردنی نیست که مهدی و حسین نمازی، با علم به اینکه خواهان در امور تجاری بی‌تجربه و دانش زبان فارسی اش محدود بود، قصد داشتند میلیونها دلار دارائی را به وی منتقل کنند. خواهان در پاسخ اظهار داشت که به موجب وکالتنامه عامی که در تاریخ ۱۵ دیماه ۱۳۵۵ [پنجم ژانویه ۱۹۷۷] به مدت ۲۰ سال به پدرش داده بود، حسین نمازی این اطمینان خاطر را داشت که بتواند کلیه امور مربوط به ثروت تازه تحصیل شده خواهان را اداره نماید. خواهان اضافه نمود که:

با توجه به وکالتنامه ای که به پدرم داده بودم، . . . آنها [حسین

و مهدی نمازی] [اموال منتقل شده] را در اختیار داشتند و می‌توانستند از درآمد حاصله استفاده نمایند. زیرا من در امور تجاری بی‌تجربه بودم و نمی‌خواستم که همه اموال را بریاد دهم.

۴۲- خواننده مضافاً استدلال کرده است که حتی اگر مهدی نمازی قصد داشته اموالی به خواهان بدهد، آقای مینو وکالت برای انجام تشریفات انتقال نداشت. وکالت نامه صادره به نام آقای مینو که خواهان تسلیم کرده تنها بزبان انگلیسی است. خواننده سوأل می‌کند که چرا این سند می‌بایست به انگلیسی نوشته شده باشد و نه به فارسی و مضافاً خاطر نشان می‌نماید که در خود این وکالتنامه نیز به وکالتنامه دیگری اشاره شده است که خواننده آن را از مدارک دفترخانه دیگری در تهران به دست آورده و ارائه کرده است. خواننده اظهار می‌دارد که اثر مترتب بر دو وکالتنامه مزبور صرفاً این بود که به آقای مینو وکالت می‌داد در مورد آپارتمانی در لندن، متعلق به شخص ثالثی که بدو^۷ به مهدی نمازی وکالت داده بود، اقدام کند.

۴۳- در پاسخ به این اظهار، خواهان می‌گوید که نسخه انگلیسی وکالتنامه، بطوریکه از ظاهر آن پیداست، توسط مترجم رسمی وزارت دادگستری ایران تهیه شده و اصل آن هنوز در ایران است. خواهان همچنین اظهار می‌دارد که اسنادی در ارتباط با آموزشگاه شبانه روزی مهدی نمازی، یعنی خیریه خانواده نمازی، که خواننده تسلیم کرده نشان می‌دهند که آقای مینو از مهدی نمازی وکالت گسترده ای داشته است.

۴۴- خواننده مضافاً استدلال می‌کند که قصد مهدی و حسین نمازی هر چه بوده، خواهان نمی‌تواند حائز شرایط لازم به عنوان مالک اموال مورد بحث باشد، زیرا تشریفات قانونی لازم برای انتقال اموال غیرمنقول و سهام شرکتها انجام نشده است. نخست، در مورد اموال غیرمنقول، خواننده اشاره به الزامات مندرج در قانون ثبت اسناد و املاک مصوب سال ۱۳۱۰ می‌نماید. تشریفات مندرج در قانون مذکور عبارتند از تنظیم اسناد محضری پس از احراز هویت متعاملین، استعلامات و انجام تحقیقات متعدد توسط سردفتر در خصوص سوابق ذریبط و نهایتاً ثبت انتقال در دفتر. خواننده نتیجه گیری می‌کند که شش نامه مورد بحث، حتی به فرض اصالت، برای انتقال مالکیت اموال غیرمنقول به خواهان کافی نمی‌بودند.^۷

^۷ خواننده اعتقاد دارد که حتی در صورتی که انتقال اموال را هبه محسوب کنیم، چنانچه تشریفات قانونی لازمه انجام نشده باشد باز هم ادعا محکوم به رد است زیرا طبق ماده ۴۷ قانون ثبت اسناد و املاک ایران مصوب ۱۳۱۰ هبه وقتی اعتبار دارد که به ثبت رسیده باشد. خواننده نتیجه می‌گیرد که چون انتقالات مورد ادعا به ثبت نرسید هبه ای واقع نشده است.

۴۵- خواننده منکر آن است که خواهان توانسته باشد تشریفات انتقال اموال غیرمنقول را در دفتر اسناد رسمی ظرف یک هفته بعد از تاریخ نوشتن نامه ها انجام دهد. شاهد خواننده، آقای احمد بافقی نیا (سردفتر اسناد رسمی شماره ۶۴ تهران) ضمن مطالبی شهادت داد که تشریفات انتقال مقدار اموالی که مورد ادعای خواهان است، تحت شرایط عادی، حداقل ۲۰ تا ۲۵ روز و در شرایط حاکم در ایران آن زمان، در حدود دو ماه طول می کشید.

۴۶- خواننده همچنین اظهار خواهان را رد می کند که در ماههای فوریه و مارس ۱۹۷۹ انجام تشریفات قانونی انتقال امکان پذیر نبوده است. ایران اظهار خواهان را انکار می کند که ادارات پست در ماه فوریه ۱۹۷۹ کار نمی کرد و استدلال می کند که در هر حال ادارات ثبت تا مارس ۱۹۷۹ دایر شده بودند. در اثبات این اظهار، خواننده به تغییرات اساسنامه بنیاد مهدی نمازی اشاره می کند که ظاهراً به امضای خود مهدی نمازی بوده و در ماه مارس ۱۹۷۹ در اداره ثبت شرکتها به ثبت رسید.

۴۷- در مورد سهام شرکتها، خواننده اظهار می دارد که مالکیت سهام در شرکتهای مورد اشاره خواهان تنها از طریق ثبت معامله در دفتر ثبت سهام شرکت مورد بحث قابل انتقال است و ضمناً "انتقال دهنده یا نماینده قانونی او نیز باید دفتر مزبور را امضاء نماید. خواننده اظهار می دارد که هیچگونه انتقالی به نام خواهان در دفتر ثبت سهام شرکتهای مورد بحث وارد نشده و نام خواهان هیچگاه به عنوان دارنده علائق مالکیت هیچ سهمی در شرکتهای مزبور به ثبت نرسیده است. بانک تجارت شهادتنامه ای به این مضمون از رئیس اداره حقوقی خود تسلیم کرده است. علاوه بر این، خواننده انکار می کند که شرکت سهامی سیمان فارس و خوزستان نامه ای را که حسین نمازی به عنوان آن شرکت ارسال و خواهان فتوکپی آن را تسلیم نموده دریافت کرده باشد. در مورد برخی از این شرکتها، خواننده در نفس مالکیت سهام مهدی و حسین نمازی یا میزان سهم آنان ابراز تردید می نماید.

۲ - آپارتمان سامان ونک

(الف) اظهارات خواهان

۴۸- خواهان اظهار می دارد که در مدت اقامت خود در ایران، مالک آپارتمانی در مجموعه

ساختمانی سامان در ناحیه ونك تهران بود و در آن زندگی می‌کرد و برای اثبات این ادعا شهادتنامه ای از خواهر خود، خانم روشن گلشائیان تسلیم کرده که نامبرده در آن اظهار می‌دارد که خواهان مالك این آپارتمان و ملك بنام خود او بوده است. در جلسه استماع، نامبرده اظهار نمود که مجاور آن آپارتمان سکونت داشته و بعد از اینکه خواهان در اوت ۱۹۷۹ ایران را ترك کرد، وی از آپارتمان مواظبت می‌نمود.

(ب) اظهارات خواننده

۴۹- خواننده اظهار می‌دارد که خواهان مالك آپارتمان سامان ونك نبوده و خاطر نشان می‌نماید که خواهان هیچ ادله مستندی حاکی از مالکیت آن تسلیم نکرده است. خواننده اظهاریه ای کتبی از شرکت سامان که ظاهراً مالك اصلی آن مجتمع ساختمانی است ارائه کرده که طی آن شرکت مزبور ادعا می‌کند که کماکان مالك ساختمان مورد بحث است. لیکن در جلسه استماع خواننده اظهار داشت که در نتیجه تحقیقات وی (بعد از ثبت لوایح معارض) معلوم شد که آپارتمان مورد بحث در واقع توسط خانم گلشائیان به بعضی اقوام وی به اجاره واگذار شده بود. خواننده راجع به این تناقض آشکار بین دو موضع خود توضیحی نداد.

۵۰- در پاسخ به این اظهار، خانم گلشائیان اظهار داشت که آپارتمان مذکور بطور رایگان در اختیار اقوام گذارده شده بود و نه به صورت اجاره، و مجدداً یادآور شد که "آپارتمان به نام خواهان بوده است". خواهان اظهار داشته است که نمی‌تواند سند مالکیت آپارتمان را ارائه نماید. حسب ادعا، در هنگامی که وی آپارتمان را خریداری کرد، سند مالکیتی هنوز برای آن صادر نشده بود زیرا آپارتمان جزئی از يك مجتمع جدید بود.

ب - یافته های دیوان

۱- اموالی که حسب ادعا توسط مهدی نمازی و حسین نمازی به خواهان منتقل شده است

۵۱- خواهان اظهار می‌دارد که در املاک و سهامی که پدر و پدربزرگش به وی منتقل کرده اند مالکیت قانونی، و در غیر اینصورت، مالکیت انتفاعی دارد. دیوان یکایک این فرضیه های حقوقی مالکیت را به ترتیب مورد بررسی قرار می‌دهد.

(الف) مالکیت قانونی

۵۲- اگرچه خواهان اظهار داشته است که "پدربزرگ و پدر من هرگونه اقدامی را که برای انجام این انتقالات بلاعوض (هبه) مقتضی و لازم می‌دیدند به عمل آوردند (بنگرید به: بند ۱۸ بالا)، هیچ ادله مستندی، مانند سند مالکیت یا سند انتقال و یا مدرک پرداخت حقوق یا مالیات انتقال ارائه نکرده که نشان دهد هیچک از مستغلات مورد بحث که حسب ادعا ۲۸ میلیون دلار ارزش داشته به نام وی ثبت شده است. به‌مینگونه، خواهان هیچگونه دلیلی ارائه نکرده است که نشان دهد هیچک از سهام مورد ادعایش که حسب ادعا ۱۸۷ میلیون دلار ارزش داشته به نام وی به ثبت رسیده و یا اوراق سهام به نام وی صادر شده باشد. خود خواهان در لوایح خویش ادعان نموده که تشریفات لازم برای انتقال مستغلات و سهام انجام نشده است (بنگرید به: بند ۲۸ بالا). در جلسه استماع، خواهان همچنین ادعان کرد که اقداماتی که طی مراجعه به دفترخانه اسناد رسمی و باتفاق پدرش و آقای مینو انجام داد (مطلبی که وی اولین بار در جلسه استماع به نحو بسیار مبهمی ذکر کرد) (بنگرید به: بند ۲۹ بالا) شاید صرفاً آغاز جریان قانونی انتقال بوده باشد و نه پایان آن.

۵۳- بنا به مراتب فوق، دیوان نتیجه می‌گیرد که خواهان ثابت نکرده است که مالک قانونی هیچک از مستغلات یا سهامی شده که حسب ادعا توسط پدر و پدربزرگش به وی منتقل گردیده است.

(ب) مالکیت انتفاعی

۵۴- دیوان اینک به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا خواهان ثابت کرده است که در هیچک از اموالی که حسب ادعا توسط پدر و پدربزرگش به وی منتقل شده مالکیت منافع دارد یا خیر. در رویه قضائی دیوان کاملاً پذیرفته شده است که در اوضاع و احوال معینی، خواهانی را که مالک قانونی و ثبتي اموالی نیست می‌توان مالک منافع آن اموال شناخت بطوری که اگر مال مورد بحث صادره شده باشد، در محضر این دیوان مستلزم پرداخت غرامت باشد. به عنوان مثال، بنگرید به: بندهای ۱۸-۲۶ حکم شماره ۲-۲۹۸-۵۴۴ مورخ دوم بهمن ماه ۱۳۷۱ [۲۲ ژانویه ۱۹۹۳]، صادره در پرونده جیمز ام. سقیع و دیگران و جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در: ---, Iran- U.S. C.T.R. --- حکم شماره ۳-۱۲۹-۳۰۹ مورخ ۱۶ تیر ماه ۱۳۶۶ [هفتم ژوئیه ۱۹۸۷]، صادره در پرونده سدکو، اینک و شرکت ملی نفت ایران و دیگران، چاپ شده در:

15 Iran- U.S. C.T.R. 23,101؛ حکم شماره ۲-۶۸-۲۴۴ مورخ ۱۷ مرداد ماه ۱۳۶۵ [هشتم اوت ۱۹۸۶] صادره در پرونده هوارد نیدلز تامن اند برگندوف و دولت جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در: 11 Iran- U.S. C.T.R. 302,313؛ حکم شماره ۱-۲۳۱ / ۳۷-۲۲۰ مورخ ۲۲ فروردین ماه ۱۳۶۵ [۱۱ آوریل ۱۹۸۶] صادره در پرونده فورموست تهران، اینکورپورتید و دیگران و دولت جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در: 10 Iran- U.S. C.T.R. 228,239-42؛ حکم نهائی شماره ۳-۳۰۲-۱۹۶ مورخ ششم آبان ماه ۱۳۶۴ [۲۸ اکتبر ۱۹۸۵] صادره در پرونده اینترنشنال تکنیکال پروداکتس کورپوریشن و دیگران و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در: 9 Iran- U.S. C.T.R. 206, 231-33؛ حکم شماره ۲-۲۱۹-۳۵ مورخ ۲۰ فروردین ماه ۱۳۶۲ [۳۰ مارس ۱۹۸۳] صادره در پرونده بنجامین آر. ایسایا و بانک ملت، چاپ شده در: 2 Iran- U.S. C.T.R. 232,235-36. لیکن برای اثبات يك چنین مالکیت انتفاعی، خواهان مکلف است ادله محکمی ارائه کند حاکی از اینکه خود وی در حقیقت مالک واقعی اموال بوده و نه شخصی که به عنوان مالک قانونی نامش ثبت شده است.

۵۵- دیوان خاطرنشان می‌سازد که نامه های مربوط به زمان موقوف را می‌توان در اوضاع و احوال مناسب در حکم تأیید کتبی این مطلب دانست که انتقالی مورد توافق یا مورد نظر بوده است. لیکن در پرونده حاضر، غیررسمی بودن بیش از حد نامه هائی که خواهان تسلیم کرده و عدم ذکر جزئیات در آنها، خصوصاً با توجه به تعداد و ارزش اموال مورد بحث (حسب ادعا ۲۲۵ میلیون دلار) برای دیوان ایجاد شبهه می‌کند. به عنوان مثال، گرچه در سه فقره از این نامه ها اشاره به انتقال ثلث مستغلات مهدی نمازی شده، در هیچیک از آنها املاک مزبور توصیف یا شماره آنها ذکر نشده و یا به نحو دیگری مشخص نگردیده که انتقال چه مستغلاتی مورد نظر بوده است. عدم ذکر چنین جزئیاتی خصوصاً با در نظر گرفتن این واقعیت که حداقل یکی از نامه های مزبور، حسب ادعا، قرار بود به عنوان دستور تنظیم اسناد لازمه به دفتر اسناد رسمی ارسال شود، شایان توجه است. از آنجا که خانواده نمازی بدون تردید می‌توانسته با شخص خبره ای مشورت کند، غیررسمی بودن نامه های مزبور به وضوح تعجب آور است. ضمناً، این مطلب که چطور خواهان اصل نامه آقای مینو به عنوان خود را ارائه نکرده و یا توضیحی راجع به فقد آن نداده است برای دیوان ایجاد شبهه می‌کند. خواهان توضیح کافی نداده است که چگونه فتوکپی این نامه را در اختیار دارد اما اصل آن را ندارد.

۵۶- از نامه های مورد بحث که بگذریم، دیوان ملاحظه می‌نماید که خواهان چندین تاریخ را به عنوان تاریخ انتقال ذکر کرده است. (بنگرید به: بند ۱۷ بالا). وی در لوایح اولیه خود و در

موقعی که قاعدتاً حافظه اش بیشتر یاری می‌کرد، اظهار داشت که انتقالات در ژانویه ۱۹۷۹ صورت گرفت، در حالی که در لوایح بعدی و در جلسه استماع اظهار نمود که این امر در روزهای پنجم و ششم فوریه ۱۹۷۹ [۱۶ و ۱۷ بهمن ۱۳۵۸] به وقوع پیوست. از طرف دیگر، آقای مینو در شهادت خود در نوار ویدئو پیوسته اظهار داشته است که انتقال در سال ۱۹۷۸ صورت گرفت. این اختلاف اخیرالذکر در اظهارات بسیار شبیه برانگیز است از آن جهت که خود آقای مینو حسب اظهار مسئول انجام تشریفات بوده است.

۵۷- علاوه بر این، خواهان نتوانسته است ثابت کند که آقای مینو اختیار داشته تشریفات قانونی انتقال را از طرف مهدی نمازی انجام دهد. وکالتنامه تسلیمی خواهان، هنگامی که با وکالتنامه تنظیمی قبل از آن که خوانده تسلیم نموده در نظر گرفته شود معلوم می‌نماید که فقط به آپارتمانی در لندن که متعلق به شخص ثالثی بوده مربوط می‌شده است. مدارکی که خوانده تسلیم و خواهان بدان استناد کرده نشان می‌دهند که آقای مینو در ارتباط با آموزشگاه شبانه روزی نمازی از طرف مهدی نمازی سمتی داشته لیکن این امر ثابت نمی‌کند که آقای مینو اختیار داشته است که بطور کلی از جانب مهدی نمازی عمل کند.

۵۸- اظهارات خواهان راجع به مراجعه اش به يك دفتر اسناد رسمی در ارتباط با انتقال مستغلات حائز اهمیت است از این لحاظ که طبق قوانین ایران، به شرحی که خوانده توصیف کرده و خواهان ایرادی بدان نگرفته، سردفتر اسناد رسمی مسئول اصلی تهیه و تنظیم مدارک مربوط به انتقال زمین (از جمله تهیه قبلی مدارک مربوط به بلامانع بودن معامله) و نیز مسئول ثبت مدارک انتقال است. بطور معمول تنها خلاصه ای از معامله برای سازمان ثبت اسناد و املاک ارسال می‌شود. لیکن این واقعیت که نه خواهان و نه پدرش و نه آقای مینو در جریان تبادل لوایح هیچکدام نذری از این مراجعه مهم به دفتر اسناد رسمی نکردند و ضمناً خواهان این مطلب را اولین بار در جلسه استماع ذکر نمود، برای دیوان ایجاد شبهه می‌کند. دیوان همچنین ملاحظه می‌کند که به طوریکه در بندهای ۲۹ و ۵۲ بالا آمد، خواهان نتوانست هیچیک از جزئیات با اهمیت موضوع مراجعه به دفترخانه را ارائه نماید و به عنوان مثال، نتوانست، محل دفترخانه، نام سردفتر یا اسامی سردفتران و ماهیت اوراقی را که امضاء کرده و یا تعداد مدارکی را که امضاء نموده، مشخصاً ذکر کند.

۵۹- علاوه بر این، دیوان ملاحظه می‌نماید که در سوابق پرونده قرینه ای در دست نیست که نشان دهد بعد از نیمه فوریه ۱۹۷۹، خواهان، حسین نمازی، مهدی نمازی یا آقای مینو اصولاً

هیچگونه تماسی راجع به انتقالات مزبور با دفتر اسناد رسمی یا با هیچیک از شرکتهای مربوط داشته اند. با آنکه سوابق پرونده حاکی است که اموال خانواده نمازی از حدود آوریل یا ژوئن ۱۹۷۹^۸ به نحوی تحت کنترل دولت درآمده بود، اما این امر کاملاً توضیح نمی‌دهد که چرا خواهان حداقل کوششی برای تماس با این دفاتر به عمل نیاورد. خواهان ظاهراً هیچ کوششی به عمل نیاورد که مالکیت خود بر آنهمه سهام ارزشمند شرکتهای و مستغلات را به اطلاع شرکتهای مربوطه و دفترخانه اسناد رسمی برساند چه بدین منظور که انتقال سهام انجام شود و چه بدین منظور که استفسار نماید آیا انتقال سهام رسماً و قانوناً به ثبت رسیده است یا خیر.

۶۰- راجع به انگیزه انتقالات ادعائی، خواهان ادعا می‌کند که پدر بزرگش تصمیم گرفته بود دارائی خود را میان فرزندان تقسیم کند و انتقال سهم پدر خواهان مستقیماً به خواهان مزایای مالیاتی دربرداشت. لیکن در پاسخ به سوآلی در جلسه استماع، خواهان نتوانست این مزایای مالیاتی را مشخص و یا مقدار آن را تعیین نماید و هیچگونه ادله ای نیز تسلیم نکرده که موضوع را روشن کند. در واقع، شهادتنامه های آقای مینو و پدر خواهان که هر دوی آنها حسب اظهار دست اندر کار این انتقالات و از جنبه های تجاری آن مطلع بودند حاوی هیچگونه جزئیاتی راجع به صرفه جوئیهای مالیاتی که عاید می‌شد نیست.

۶۱- مضافاً اینکه خواهر خواهان انگیزه دیگری برای این انتقالات ذکر می‌کند و توضیح می‌دهد که خانواده نمازی صادقانه می‌کوشید که خواهان را ترغیب به مراجعت به ایران نماید. توصیف اخیر تا حدودی با اظهار خود خواهان مغایر است که وی قصد داشت اموال را بفروشد و عوائد حاصله را مجدداً در ایالات متحده سرمایه گذاری نماید و پدر و پدر بزرگش نیز از این قصد آگاهی داشتند. این اظهار خواهان که وی قصد داشت زمین و مستغلات را بفروشد نیز به نوبه خود ظاهراً با اظهار دیگر وی مغایرت دارد که طبق وکالتنامه ای که وی در سال ۱۹۷۷ به پدرش داده بود، پدرش اختیار داشت تا زمانی که تصمیم به بازنشستگی می‌گرفت، کلیه اموال و دارائی های خواهان را سرپرستی و مدیریت نماید.

^۸ خواننده استدلال کرده است که تغییراتی که در ماه مارس ۱۹۷۹ در اساسنامه بنیاد مهدی نمازی به عمل آمد نشان می‌دهد که خانواده نمازی می‌توانسته انتقالات را به ثبت برساند. لیکن بنظر می‌رسد که اصلاحات مزبور به این منظور بود که آرمانهای اسلامی در اساسنامه خیریه مزبور گنجانده شود. در نتیجه، ثبت این سند الزاماً بدان معنی نیست که هر معامله خصوصی خانواده نمازی نیز می‌توانسته به ثبت برسد.

۶۲- قدر مسلم آنکه، عدم ارائه بسیاری مدارک مؤید اظهارات خواننده دایر بر انکار وقوع انتقالات ادعایی، از قبیل دفتر ثبت سهام شرکت های مورد بحث، اسناد مالکیت، دفاتر ثبت یا سوابق محضری، در قابل قبول بودن ادعاهای خواننده ایجاد تردید می‌کند. در اوضاع و احوال معمول، قصور یک طرف در ارائه مدارکی که در اختیار دارد میتواند موجب شود که دیوان به زیان وی نتیجه گیری نماید. بنگرید به: بند ۱۰۹ حکم شماره ۳-۱۶۴-۵۷۰ مورخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۷۵ [۱۵ مه ۱۹۹۶] صادره در پرونده ژاکلین ام. کیانی و دیگران و دولت جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در: ---, Iran-U.S. C.T.R. ---, بند ۶۸ حکم شماره ۲-۳۱۶-۵۶۶ مورخ ۲۳ تیر ماه ۱۳۷۴ [۱۴ ژوئیه ۱۹۹۵] صادره در پرونده ادگار پروتیوا و دیگران و جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در: ---, Iran-U.S. C.T.R. ---, بندهای ۸۰، ۸۰۶، ۱۱۵، ۱۲۴، ۱۳۹ حکم شماره ۲-۹۶۷-۵۴۹ مورخ ۱۵ تیر ماه ۱۳۷۲ [ششم ژوئیه ۱۹۹۳] صادره در پرونده هارولد برنهام و جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در: ---, Iran-U.S. C.T.R. ---, حکم شماره ۱-۱۸۱-۲۹۴ مورخ ۱۳ اسفند ماه ۱۳۶۶ [چهارم مارس ۱۹۸۷] صادره در پرونده بکتل، اینکورپوریتید و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در: Iran-U.S. C.T.R. 149, 162, حکم شماره ۱-۱۶۱-۱۸۴ مورخ ۲۲ مرداد ماه ۱۳۶۴ [۱۳ اوت ۱۹۸۵] صادره در پرونده آی. ان. ا. کورپوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در: Iran-U.S. C.T.R. 373, 382, 8؛ حکم شماره ۲-۲۱۹-۳۵ مورخ ۱۰ فروردین ماه ۱۳۶۲ [۳۰ مارس ۱۹۸۳] صادره در پرونده بنجامین آر. ایسایا و بانک ملت، چاپ شده در: Iran-U.S. C.T.R. 232, 238, 2؛ حکم شماره ۳-۱۷-۲۰ مورخ ۲۴ آذر ماه ۱۳۶۱ [۱۵ دسامبر ۱۹۸۲] صادره در پرونده ریگو واگنر ایکوایپمنت کامپنی و شرکت استارلاین ایران، چاپ شده در: Iran-U.S. C.T.R. 411, 413, 1. لیکن نظر به نارسائی های اساسی در ادله مستند خواهان و سوالات نگران کننده ای که اظهاراتش برمی‌انگیزد و نیز ناهمگونی های موجود در ادله وی، موجه بنظر نمی‌رسد که در پرونده حاضر چنین به زیان خواننده نتیجه گیری به عمل آید.

۶۳- بنا به ملاحظاتی که فوقاً تشریح شد، دیوان نتیجه می‌گیرد که خواهان از عهده اثبات این موضوع برنیآمده است که در مستغلات و سهامی که ادعا می‌کند توسط پدر و پدر بزرگش در سال ۱۹۷۹ به وی منتقل شده مالکیت انتفاعی داشته است.

۶۴- دیوان اینک به بررسی اظهارات خواهان راجع به آپارتمان سامان ونك می‌پردازد. چنانکه در بالا اشاره شد، خواهان هیچگونه ادله مستندی در مورد مالکیت خود بر آپارتمان مزبور، مانند سند انتقال یا سند مالکیت (بنگرید به: بند ۱۶ بالا) تسلیم نکرده و با آنکه توضیح داده که در هنگام خرید آپارتمان، هنوز سندی برای آپارتمان مزبور صادر نشده بود، ادله موید مالکیت، مانند قرارداد فروش و یا مدرک پرداخت وجه آن را نیز ارائه نکرده است.

۶۵- تنها تأییدی که از اظهارات خواهان به عمل آمده، اظهارات خواهر خواهان، خانم گلشائیان است مبنی بر اینکه خواهان مالك آپارتمان بود و وی بعد از عزیمت خواهان از ایران در اوت ۱۹۷۹، از طرف خواهان از آپارتمان مزبور مواظبت می‌کرد. گرچه خوانده قبلاً سندی تسلیم کرده بود حاکی از اینکه آپارتمان مورد بحث هنوز متعلق به شرکت سامان است، اما در جلسه استماع اظهار داشت که خانم گلشائیان در اواخر سال ۱۹۷۹ آپارتمان را به اشخاص ثالثی اجاره داده بود (بنگرید به: بند ۴۹ بالا). در هر صورت، مشخص نشد که خانم گلشائیان تحت چه سمت و عنوانی آپارتمان را اجاره داده بود و خود خانم گلشائیان انکار کرد که آپارتمان اصولاً اجاره داده شده باشد.

۶۶- علاوه بر اینکه ادله مویدی راجع به مالکیت آپارتمان سامان ونك در دست نیست، ادله ای نیز وجود ندارد که نشان دهد خوانده آپارتمان را (بطور فیزیکی و یا با صدور حکم) ضبط یا در مالکیت آن مداخله نموده است. بر این اساس، به علت فقد دلیل، هم در مورد مالکیت و هم در مورد مصادره، دیوان نتیجه می‌گیرد که خواهان از عهده اثبات ادعای خود راجع به آپارتمان سامان ونك برنیامده است.

شش - حکم

۶۷- بنا به دلایل پیشگفته،

دیوان به شرح زیر حکم صادر می‌نماید:

- (الف) ادعای رضا نمازی علیه جمهوری اسلامی ایران به علت فقد دلیل رد می‌شود.
- (ب) هر يك از طرفین هزینه های داوری مربوط به خود را تقبل خواهد کرد.

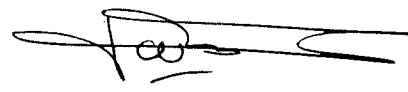
لاسه، به تاریخ ۲۰ آذرماه ۱۳۷۵ برابر با . . . ۱۰۰۰ . دسامبر ۱۹۹۶



گایتانو آرانجو - روئیتس


رئیس شعبه سه

به نام خدا



محسن آقاسینی

موافق در نتیجه



ریچارد سی. الیسون